اهل‌بیت علیهم‌السلام

در منظومه فکری حضرت امام خمینی قدس‌سره

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان

حجت‌الاسلام قاسم ترخان، مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه در گفت‌وگویی، با اشاره به این‌که حب اهل‌بیت علیهم‌السلام، از بهترین حسنات شمرده شده است، ابزار کرد: بررسی این ویژگی در اندیشه و عمل امام خمینی قدس‌سره می‌تواند راه‌گشا باشد. متن زیر حاصل این گفت‌وگو است که تقدیم مخاطبان فرهیخته می‌شود.

○ به‌عنوان نخستین سؤال جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام را در منظومه فکری امام خمینی قدس‌سره چگونه می‌بینید؟

• از آنجایی که بر اساس فرمایش حضرت علی علیه‌السلام «أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا وَأَسْوَءُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا»، این گفت‌وگو به یکی از ویژگی‌های بارز امام راحل قدس‌سره اشاره خواهد کرد. از این منظر در بعد اندیشه‌ای به سخنان آن بزرگوار درباره اهل‌بیت علیهم‌السلام و دیگر مسائل مطرح خواهد شد.

امام راحل قدس‌سره از سویی مقامات بالایی اثبات می‌کند و از سویی دیگر به بحث غلو توجه دارد. در موارد متعددی برخورداری آن‌حضرت از همه ابعاد انسانیت و جمع بین متضاد و در عین بنده خدابودن می‌فرماید: «علی علیه‌السلام که در هر جا می‌رویم، اسم او هست ... این علی همه چیز است؛ یعنی در همه ابعاد انسانیت درجه یک است؛ بنابر این هر طایفه‌ای، خودشان را به او نزدیک می‌کنند. این علی علیه‌السلام همه چیز ماست و ما همه باید تابع او باشیم. در عبادت فوق تمام عبادت‌کنندگان بود. در زهد، فوق همه زاهدها بود. در جنگ، فوق همه جنگجویان بود. در قدرت، فوق همه قدرتمندان بود و این اعجوبه‌ای است که جمع مابین چیزهای متضاد با هم کرده است. علی یک بشر ملکی و دنیایی است که ملکیان از او سخن گویند. یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه‌گیری کنند. اولی آن است که ... بگوییم علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام فقط بنده خدا بود و این بزرگ‌ترین شاخصه اوست که می‌توان از آن یاد کرد و پرورش‌یافته و تربیت‌شده پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله است و این از بزرگ‌ترین افتخارات است.»

نکته دیگر که لازم است به آن پرداخته شود، دیدگاه امام راحل راجع به حضرت زهرا علیهاالسلام و سخن گفتن جبرئیل با آن‌حضرت است.

امام خمینی قدس‌سره درباره آن‌حضرت این روایت را نقل می‌کند: «فاطمه بعد از رحلت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیش از هفتاد و پنج روز زنده نماند. داغ پدر اندوهی سخت بر قلبش وارد ساخته بود؛ به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می‌آمد و او را درعزای پدر تسلیت می‌گفت. خاطر غمین زهرا علیهاالسلام را تسلی می‌بخشید و از مقام و منزلت پدرش، حوادثی که بعد از رحلت او بر فرزندانش وارد می‌گردید، خبر می‌داد. امیرمؤمنان علیه‌السلام آنچه جبرئیل می‌گفت، به رشته تحریر درمی‌آورد. مجموع این سخنان «مصحف فاطمه» را شکل می‌دهد.»

البته این جهت نیز به شأن و منزلت نبوت ارتباط ندارد؛ زیرا در قرآن کریم از حضرت مریم علیهاالسلام و سخن گفتن جبرئیل با او یاد می‌کند. با اینکه آن‌حضرت، پیامبر نبود. امام خمینی در این زمینه بیان می‌دارد که در قرآن کریم آیاتی هست که دلالت می‌کند، بر آنکه اشخاصی که پیغمبر نبودند، ملائکه؛ بلکه جبرئیل را دیدند و با او سخن گفتند. ما نمونه‌ای از آن را اینجا یاد می‌کنیم: ﴿اذ قالت الملائکه یا مریم ان الله اصطفیکِ وطهّرکِ واصطفیکِ علی نساء العالمین﴾ (آل‌عمران/۴۲)؛ یعنی چون ملائکه به مریم گفتند: که خدا تو را برگزیده و پاکیزه کرده و فضیلت داد بر زن‌های جهان، پس از آن خدای تعالی حکایت مریم را نقل می‌کند. از آیه ۴۴

بسیاری از حالات عیسی مسیح علیه‌السلام و معجزات او را ملائکه برای مریم نقل می‌کند و از غیب به او اخبار می‌دهند. در سوره مریم (آیه ۱۷) می‌فرماید: ﴿فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سویاً﴾؛ و قضیه مراوده ملائکه و جبرئیل با مریم علیهاالسلام در بسیاری از آیات قرآن مذکور است و خبرهایی که از غیب به او دادند، خداوند نقل می‌کند. آمدن جبرئیل نزد حضرت صدیقه علیهاالسلام از عظمت و تعالی روحی و اوج معنوی آن بزرگوار حکایت می‌کند.

امام خمینی قدس‌سره در این زمینه معتقد است که مسئله آمدن جبرئیل برای کسی، یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هرکسی می‌آید و امکان دارد بیاید. یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است.

○ رفتار و عمل امام خمینی قدس‌سره در قبال اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونه است؟

• رفتارهایی از امام در زندگی بابرکتش ثبت شده است که حاکی از عشق بالای ایشان نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است. ایشان در نقد و پاسخ به شبهاتی که در کتاب اسرار هزارساله مطرح شده است، کتاب کشف‌الاسرار را نوشت. حضرت امام قدس‌سره در این زمینه می‌گوید: یک‌بار در حال رفتن به مدرسه فیضیه مشاهده کردم که عده‌ای دارند راجع به کتاب اسرار هزارساله بحث می‌کنند. ناگهان به ذهنم آمد که ما داریم درس اخلاق می‌گوییم؛ حال آنکه این بحث‌ها در حوزه‌ها هم نفوذ پیدا کرده است؛ از این‌رو ایشان بلافاصله تصمیم می‌گیرند، از وسط مدرسه فیضیه برگردند و دیگر به درس نمی‌روند. طی یک ماه تا چهل‌روز تقریبا همه کارها را کنار می‌گذارند و کتاب کشف‌الاسرار را در نقد آن رساله می‌نویسند. آن زمان نیز که ایشان موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند، در برخورد با کسانی که الگوی یک زن را یک بازیگر معرفی کرده بودند، اقدام بی‌نظیری کردند که لازم است بدان توجه شود. در هشتم بهمن‌ماه ۱۳۶۷ رادیوی جمهوری اسلامی ایران در سالروز تولد حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در برنامه‌ای زنده از مخاطبانش سؤال می‌کند: الگوی شما به‌عنوان زن ایرانی کیست؟ غیرت دینی امام نسبت به دفاع از اهل‌بیت علیهم‌السلام به جوش آمد و در نامه‌ای نوشت: «آقای محمد هاشمی، مدیرعامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی، با کمال تأسف و تأثر، روز گذشته (روز شنبه ۸ بهمن) از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد، بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است، تعزیر و اخراج می‌گردد و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود، قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین‌کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از این‌گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد؛ البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضائیه اقدام می‌نماید.

دومین نکته‌ای که می‌توان بیان کرد، بحث تقدم حب به اهل‌بیت علیهم‌السلام بر حب خود و فرزندانش است. در روایتی، رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «هیچ کس از شماها ایمان ندارد، مگر اینکه من نزد او از فرزندانش و پدرش و همه مردم محبوبتر باشم.» حضرت در این روایت، ابتدا اصل ایمان را مشروط به حب خود می‌داند و سپس در ضمن آن، حب خود را توضیح می‌دهد. حال ادعای ما آن است که امام راحل عاشق اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است؛ زیرا ایشان برای شهادت سیدمصطفی، فرزندش گریه نکرد و اشک نریخت؛ اما در محافل ذکر اهل‌بیت علیهم‌السلام چون عبارت «السلام علیک یا اباعبدالله» را می‌شنید، قطرات اشک از دیدگانش فرو می‌چکید. خوب است این نکته را نیز ذکر کنیم که در ماجرای ارتحال سیدمصطفی رحمه‌الله، هرکس وارد خانه امام در نجف می‌شد؛ بی‌اختیار اشک می‌ریخت؛ اما او چون کوهی استوار بود و به هیچ‌وجه آثار شکست، اندوه در چهره‌اش هویدا نشد. یکی از ذاکران حسینی گفت: این حالت امام خطرناک است. باید کاری کرد تا ایشان نیز بگرید. نباید اجازه دهیم، بغض امام در درونش منفجر شود. پس به‌مناسبت، روضه حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام را خواند. امام سر بر زمین نهاد و گریست.

هم‌چنین نکته دیگر این است که امام خمینی قدس‌سره برای زیارت خانه خدا و کربلای امام حسین علیه‌السلام کتاب‌هایش را فروخت.

○ در باب عشق به روضه و اقامه مجلس عزا برای سیدالشهدا علیه‌السلام در نجف، قم و پاریس بگویید. ایشان در این زمینه چه اقداماتی را انجام دادند؟

• وقتی گروهی از شبه‌روشن‌فکران به عزاداری و سینه‌زنی تاختند، امام راحل قدس‌سره شدیداً به ترویج سنت دیرینه عزاداری پرداخت و از نهضت حسینی و سوگواری برای آن‌حضرت دفاع کرد و فرمود: «سیدالشهداء علیه‌السلام را این گریه‌ها حفظ کرده است. هر مکتبی تا در آن سینه‌زنی نباشد، گریه‌کن نباشد، حفظ نخواهد شد.» این عشق به سیدالشهدا علیه‌السلام تا آنجاست که ایشان در نقد شعر «بشنو از نی چون حکایت می‌کند»، این‌گونه می‌سراید:

مشنو از نی چون حکایت می‌کند
بشنو از دل چون روایت می‌کند
مشنو از نی، نی نوای بینواست
بشنو از دل، دل حریم کبریاست
نی چو سوزد تلّ خاکستر شود
دل چو سوزد خانه دلبر شود
نی زِ خود هرگز ندارد شور و حال
دل بود مرآت نور لایزال
نی اگر پرورده آب و گِل است
دست‌پرورده خداوندی، دل است
نی اگر بشکست بی‌قدر و بهاست
بشکند گر دل، خریدارش خداست
نی به هر دست و به هر لب آشناست
دل مکان و خانه خاص خداست
نی تهی‌دست است و بی‌قدر و بها
دل بود گنجینه عشق و صفا
نی تهی مغز و درونش پر هواست
دل تجلّی‌گاه عرفان و ولاست
نی تو را از یاد حق غافل کند
دل تو را بر قُرب حق نائل کند
نی چو بینم یادم آید نینوا
دل شود نالان به یاد کربلا
از جفای نی دلم آتش گرفت
کاش نی از ریشه آتش می‌گرفت
رفت بر نی رأس پر خون حسین
بود زینب پای نی در شور و شین
نی زِ حلقوم حسین خون می‌مکید
پای نی زینب گریبان می‌درید
دید بر نی چون سر آن حق‌پرست
سر به محمل زد جبین خود شکست
رفت نی در شام و در طشت طلا
می‌خورد نی بر لب آن مقتدا
می‌زند نی بوسه بر دست یزید
لیک آزرده لب شاه شهید
نی خورد چون بر لب و دندان او
دل بسوزد بر لب عطشان او
ذره بس کن ماجرای نینوا
سوخت از این غم، دل خیرالنساء علیهاالسلام

هشدارهای امام خمینی قدس‌سره به روحانیت وطلاب جوان وعموم

حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو، استاد مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

امام در پیام خود به حوزه‌ها و روحانیت، ضمن بیان حقایق تاریخی که روحانیت در آن نقش برجسته داشت، آسیب‌ها و هشدارها را نیز به جامعه روحانیت و حوزه تبیین می‌فرماید.

• ۱. طلاب جوان! پرونده هنوز باز است

آن‌قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن، مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم؛ ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست‌خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان، تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند؛ ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه سر درآوردند. باز خدا رسوای‌شان ساخت. دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب، دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یک‌مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن‌همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند، تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند: مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان را برای ظهور امام زمان –ارواحنا فداه– مفید و راه‌گشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست، رخ می‌دهد، فریاد «واسلاما» سر می‌دهند! دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه‌شعبان را به‌نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی‌های» دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند و در عمل پشت پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را شکسته‌اند و عنوان ولایت برای‌شان جز تکسب و تعیش نبوده است...

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به‌اصطلاح روحانیون سوء استفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات، اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین ننمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند، مهیای مؤاخذه‌ام. حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است؛ ولی چاره چیست؟ باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود؛ وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

• ۲. ما در هیچ زمینه‌ای شکست نخورده‌ایم

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها، دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هرکس در فضای ذهن و ایده‌های خود، نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد؛ ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن، تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند.

• ۳. مهمترین نتیجه جنگ؛ استمرار روح اسلام انقلابی

امام جنگ هشت‌ساله را خالی از نتایج مثبت نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که جنگ علاوه بر صدمه‌ها، آثار مثبتی هم داشته و خواهد داشت؛ لذا در این پیام مهم این‌گونه می‌فرماید: البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم، در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم؛ ولی این بدان‌معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود، مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنان‌مان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد...

• ۴. جنگ ما جنگ فقر و غناست؛ جنگ ما تمام‌شدنی نیست!

همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوته‌نظرند، آنهایی که خیال می‌کنند، چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بیفایده است! درحالی‌که صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت‌ساله ماست، علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت‌ساله ماست.

راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند. آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است. آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است، نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به‌گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند، جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف، دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه.[1]

• پی نوشت

۱. امام خمینی، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (تبیان دفتر دهم) ؛ صحیفه امام ج۲۱، ص ۲۷۳؛ پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات «منشور روحانیت».